



گفتگو با ع. پاشائی

ایرانیها در علوم جدید سهمی ندارند

ع - پاشایی ویراستار و مترجم سالهاست که به یاری گروهی از پژوهشگران و مترجمان دست‌اندرکار تدوین و ترجمه دایره‌المعارف است. تفاوت کار او، در این است که او با انتشارات و سازمانهای بخش خصوصی در این زمینه کار می‌کند. زمینه‌ای که نیازهای به سرمایه‌های کلان دارد و برآوردن این نیازها را در شرایط حاضر از بخش خصوصی نمی‌توان توقع داشت. در این گفت‌وگو، پاشایی فعالیت‌های خود را در زمینه فرهنگ‌نویسی و ترجمه فرهنگها شرح می‌دهد.

● آقای پاشایی، گویا شما اخیراً " در تدوین و ترجمه چند فرهنگ مشارکت، مشاورت یا نظارت داشته‌اید، لطفاً در مورد آنها توضیح دهید.

- بله در چند سال اخیر با همکاری انتشارات مازیار سه فرهنگ را ترجمه و آماده چاپ کرده‌ام و یک فرهنگ دیگر هم با همساری انتشارات ابتکار در دست تهیه است. سه فرهنگ انتشارات مازیار عبارتند از:

- ۱- فرهنگ علوم اجتماعی، چاپ یونسکو.
- ۲- فرهنگ علم از انتشارات بنگوش.
- ۳- فرهنگ اندیشه نو.

و یک فرهنگ عمومی هم همان‌طور که گفتم در دست ترجمه است. فرهنگ علوم اجتماعی چاپ یونسکو در دهه ۷۰ منتشر شده و شامل تمام رشته‌های علوم اجتماعی و فرهنگی است. حدود ۷۵۰ صفحه است. البته این فرهنگ کمی قدیمی است که با زمان منطبق می‌شود، خیلی از مفاهیمی را که در ایران جا افتاده و رواج دارد و توضیح کافی درباره آن نبوده، بیشتر به جامعه‌شناسی یا علوم اجتماعی اختصاص دارد و دیگر مباحث زبان‌شناسی، روانشناسی، حقوق و اقتصاد در آن نمی‌آید ولی در این فرهنگ تمام این مباحث مطرح

کمی بگیریم. ۵ تن از آقایان با تخصص‌های گوناگون هرکدام رشته‌ای را مقابل کرده‌اند و اصطلاحات رایجی را که با آن سروکار داشتند، به خصوص با کتاب‌های دبیرستانی هماهنگ کردند. ترجمه و ویرایش این فرهنگ هم تمام شده و در مرحله حروف‌چینی است و اگر کاغذ داشتیم خیلی زودتر چاپ شده بود. این فرهنگ در قطع جیبی کلفت منتشر خواهد شد. فرهنگ سوم که من سروراستار هستم " فرهنگ اندیشه نو" است که ترجمه‌ی دقیق

Fontana dictionary of Modern

Thought است. این فرهنگ، کوتاه، ساده ولی جامع تمام رشته‌ها در دنیای معاصر است. متن انگلیسی آن هم شناخته و معتبر است. البته قبلاً در فرهنگ‌هایی مثل دانشنامه آقای آشوری، بخش‌هایی از آن مورد استفاده قرار گرفته است. در مجموع حدود ۱۰۰۰ صفحه است. حدود ۲۰۰۰ نام دارد و ۷۰۰۰ مدخل آن توضیح دارد و ۱۰۰۰ مدخلش ارجاعی است. اعلام معتبری از سینما، تئاتر، علوم تجربی، علوم انسانی، ادبیات، فلسفه و... دارد. در ترجمه این فرهنگ ۴۰ مترجم، متخصص و صاحب‌نظر از جمله آقایان دکتر بهزاد، احمد بیرشک، خدادادی، قلم سیاه، باقر پرهام، فریبرز رئیس‌دانا، فریبرز محیدی، دکتر فروهری، و... همکاری داشته‌اند.

متن انگلیسی آن ۱۵۰ نویسنده دارد و چندی از بزرگان رشته‌های گوناگون و برندگان

است. در ترجمه این فرهنگ ۴۰ مترجم صاحب‌نظر که غالبشان از اساتید همین رشته هستند، همکاری کرده‌اند از جمله آقایان: فریبرز رئیس‌دانا، باقر پرهام، فریبرز محیدی و... و سروراستارش آقای حواد زاهدی مازندرانی است. این فرهنگ دارای ۱۰۰۰ مدخل است که ۷۵۰ مدخل آن توضیح مفصل دارد و اکنون در مرحله حروف‌چینی است. یک‌جلدی، با قطع بزرگ و دوستونی چاپ خواهد شد. در ترجمه این فرهنگ من سمت مشاورت داشتم. " فرهنگ علم" از روی چاپ ۱۹۸۶ بنگوش توسط آقایان: دکتر محمود بهزاد، دکتر ابوالقاسم قلم سیاه، احمد بیرشک، دکتر خدادادی و جمعی دیگر از اساتید ترجمه شده و آقایان حسین صاحبی، بهرام معلمی، سیدرضا آقابور مقدم، فرخ وطن و حیدرزاده ویراستاران آن بوده‌اند. موضوع این فرهنگ، علوم به خصوص فیزیک است.

● تخصصی است؟

- تخصصی به معنای فرهنگ فنی پیچیده نه، ولی به تخصص‌های گوناگون مانند فیزیک و شیمی مربوط است. بیش از نیمی از کار ترجمه این فرهنگ انجام شده بود که چاپ ۱۹۸۶ آن منتشر شد، خوشبختانه با همت ناشر چاپ جدید آن تهیه و بخش بزرگی (شاید حدود ۳۰%) مجدداً ترجمه شد. در فرهنگ علم سعی کردیم در کنار اساتید از جوان‌ترها هم

جایزه نوبل آن را نوشته‌اند. در واقع یک انسیکلوپدی یک‌جلدی، یا به قول ویراستاران انگلیسی میان‌بری میان فرهنگ و انسیکلوپدی است.

فرهنگ عمومی که هشت‌ماه است شروع کرده‌ایم و بر مبنای ۶۰ تا ۸۰ هزار واژه از لغات رایج فارسی و عربی امروزی، لغات کوچهای (از روی کتاب کوچک آقای شاملو تنظیم می‌شود)، علوم تجربی، علوم انسانی، علوم اداری و بسیاری از اصطلاحات رایج ادارات شکل گرفته است. طرح اصلی آن شبیه به *American Dictionary* (The Heritage Illustrated) است. دست‌کم حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار اعلام دارد. نام اشخاص با علم جغرافیایی که در فرهنگ ۱۱۱۱۱۱۱۱ با در وبستر است همراه با توضیح کافی و شکل خارجی نام مطرح شده است. به هر حال در ویرایش سه فرهنگ اول نهایت دقت در حد امکانات و مقدرات به کار رفته است و اگر بخواهیم بیش از این قدرت به کار ببریم، بار اقتصادی آن خارج از اندازه سنگین می‌شود و ناشر خصوصی واقعا "کشش آن را ندارد".

● فرهنگ علوم اجتماعی چاپ یونسکو آیا چاپ جدیدتری نداشت؟

— ما با یونسکو تماس گرفتیم تا ببینیم چه کمک‌هایی می‌تواند بکند و آیا چاپ جدیدی از کتاب شده است. گفتند به زبان انگلیسی دیگر چاپ نشده و ناشر خصوصی آن را به زبان پرتغالی چاپ کرده است. نویسندگان فرهنگ علوم اجتماعی کسانی هستند که انسیکلوپدی علوم اجتماعی را نوشته‌اند.

● چطور اصلا "به فکر ترجمه فرهنگ‌ها افتادید؟

— نیاز به فرهنگ مسئله‌ای است که نویسنده و مترجم و خواننده با آن روبرو هستند و فرهنگ همیشه و مستمرا "باید" "نو" شود. البته کل ترجمه فرهنگ حرف برمی‌دارد و مضحک است و من در مقدمه‌ای نوشته‌ام: تمام دانش جدید ما ترجمه است. ببینید، در علوم و معارف جدید ایرانی‌ها هیچ سهمی ندارند. اگر مصرف‌کننده خوبی باشند هوالمطلوب. اگر هم در سطوحی نقش داشته باشند به این فرهنگ‌ها ارتباطی پیدا نمی‌کند. فراموش نکنید ما در مرحله فرهنگ‌نویسی نیستیم و این واقعیتی دردناک است. فرهنگ‌هایی که پیش از ما در مورد لغت فارسی نوشته شده غالباً "تعریف علمی و دقیقی ندارد. شیوه همان شیوه قدیم است و کمی رنگ و روی عبارات جدیدتر شده است. فرهنگ همین مقداری از فرهنگ دهخدا در زمینه‌های علمی مانند توضیحات راجع به

گیاه و پرندة جلو است. زبان فرهنگ عمومی باید به شیوه‌ای باشد که با خواندن یک واژه یا اصطلاح احساس نیاز به مراجعه به فرهنگ دیگری پیش نیاید. در زمینه لغت اگر از خیلی‌ها بپرسید نقطه عطف یعنی چه؟ چنانکه باید، تعریف دقیقی ندارند، نقطه عطف ترجمه فارسی از روی *Turning point* است و کاربردهای مختلف آن توضیح داده شده است. مثلا "فرهنگ اندیشه نو" کاملا معاصر است و ضمن اینکه علی‌القاعده نباید این‌نوع کتاب‌ها ترجمه شوند ولی همه مفاهیم آن در ایران لفظا شناخته شده است. اخیرا فرهنگ جامعه‌شناسی پنگوئن چاپ شده که تا حدودی جوابگوی این نیاز در جامعه است. به هر حال هدف این بود وقتی خواننده با مفاهیمی در حد واژه روبرو می‌شود دقیقا بداند سیر این واژه چیست؟ کاربردش چه زمانی است؟ و تاریخچه آن را هم به صورت تعریف با شرح دقیق بداند. نه اینکه تا گفته شد: بورکراسی، گفته شود قرطاس‌بازی. در این مرحله بهترین کار از نظر من ترجمه است و در این ترجمه‌ها سعی شده فرهنگ‌نویسی فرنگی را در عمل وارد کنیم و در این مرحله لزومی ندارد فرهنگ‌نویس بخشی را خودش بنویسد.

● در تلفظ و برابریهای فارسی واژه‌های خارجی ابتکار هم به خرج داده‌اید؟

— البته این کار فرهنگستان است ولی تا وقتی فرهنگستان نباشد مجبور به انجام این کار هستیم. در مورد کلمه‌های مانند "آژودینامیک" که برابر نهاد فارسی ندارد، از خود کلمه استفاده کرده‌ایم. در مورد کلمات دیگر با تمام مترجمین و دست‌اندرکاران مشورت کرده‌ایم. بعضی از همکاران معتقد بودند تمام اصطلاحات ریشه‌های گوناگون را برابر نهاد فارسی بگذاریم ولی این کار عملا مقدور و ممکن نبود. فقط در مورد فرهنگ علوم اجتماعی تماما "این کار را کردیم و در کنار ضبط انگلیسی، برابر نهاد فارسی را آورده‌ایم. در مورد کلمات دیگر برابر نهاد انتخاب کردیم مانند *Ritual*، که "آیین" را برابر آن گذاشتیم. "سازواره" را معادل ارگانیزم به کار بردیم. ما مشکلی داشتیم در مورد "اسم" که به ۱۲ شکل در فارسی به کار رفته و لزومی ندیدیم "یاوری" یا "گرای" معنی کرده و خودمان را راحت کنیم. "شمینسم" را "آیین شمنی" معنی کردیم. جاافتادگی و رسا بودن یک واژه برای ما مهم است. امیدوارم تلاش گروه‌های مترجمین و محققین، دست‌کم قدمی در راه اعتلای فرهنگ باشد و باز امیدوارم هر چه زودتر فرهنگستانی با قدرت تاسیس شود تا بسیاری

از مشکلات ادبی، فرهنگی و... حل شود.

● به نظر شما چرا جامعه از فرهنگ‌ها و اصولا "کتاب استقبال می‌کند؟ آیا سطح فرهنگ نسبت به چندسال قبل تغییر کرده است؟

— آماري که نمی‌توانم بگویم ولی به عنوان تجربه شخصی، به عنوان نویسنده، خواننده، قدم زن حرفه‌ای حلوی دانشگاه و سروکار دارنده با ناشرین، می‌گویم بله جامعه احساس نیاز بیشتری نسبت به کسب آگاهی و پیشرفت دارد و به این نیاز جواب کافی داده نشده. در وهله نخست اولین سد و مانع در برابر جامعه کتاب‌خوان، کمبود کاغذ و به تبع آن گرانی کتاب است. فکر می‌کنم اگر موانع را بردارند، شلوغ‌ترین و پرتراфик‌ترین بخش جامعه را کتاب‌خوان‌ها تشکیل می‌دهند. در استقبال از کتاب و فرهنگ رابطه عرضه و تقاضا مطرح است. بعد از انقلاب اصولا احساس نیاز به فرهنگ‌خواهی و فرهنگ‌پذیری به معنای بالا رفته و جامعه زنده‌تر از پیش است. جامعه کتاب‌خوان دوست دارد بخواند و به حیات عقلی و فرهنگی خود سخت علاقه‌مند است. وقتی کتاب فراوان باشد این شوق و شور و نیاز اجتماعی در اولویت قرار می‌گیرد و امکاناتی مانند آگاهی‌های پراکنده در اشخاص جمع می‌شود. دانش هم باید رتالیزه و عرضه شود. اگر دولت همکاری‌های فرهنگی خود را بیشتر کند مسلما تاثیرات مثبتی خواهد داشت. مسایل دیگری هم هست. قبلا "معمولا" دانشجویان بخش عمده کتاب‌خوان‌ها را تشکیل می‌دادند ولی حالا کسانی در سطوح متفاوت اجتماعی کتاب می‌خوانند، که فقط به خاطر نفس آگاهی نیست و متاثر از نیازهای دیگر است. از گریز از جهل بگیرد تا پاسخ گفتن به مسایل روحی و کنجکاو مردم. در این سال‌ها مسایل پیرامون، مردم را وادار کرده است بیشتر به خودشان و تصوراتی که از زندگی داشتند بپردازند. این قدم اول آگاهی است. دانشجو بیشتر شده. در مورد محلات هم جامعه اشتباهی بیشتر از این را دارد. به هر حال جامعه جهش بزرگی کرده، ضعیف‌ترین بخش حش بزرگ، سیاسی بودن جامعه است و قوی‌ترین بخش آن به خود پرداختن است.

● آیا از کمک‌های دولتی هم در کار فرهنگ‌ها بهره‌مند شده‌اید؟

— دولت در بخش‌های دیگر فرهنگی مشغول است. تنها خواست ما از دولت می‌تواند کاغذ باشد تا شاید روزی که معلوم نیست چه زمانی خواهد آمد، به ما بدهند.